

روزنامه‌ها در رقابت با رسانه‌های ماهوار‌های

مطبوعات محلی از نظر اقتصادی وابستگی شدیدی به کمک‌های دولتی دارند و این امر سبب شده تا نتوانند آنچنان که شایسته است اصلی‌ترین رسالت‌شان را که نقد بودن است، انجام دهند. مشکلات این نشریات عمیق‌تر از مسائلی است که مطبوعات سراسری با آن روبه‌رو هستند. فضای سیاسی در شهرستان‌ها، روزنامه‌نگاران این نشریات را مجبور به پاسخگویی به تمام نهادهای مسوول می‌کند. تعداد این نشریات گاهی رو به افزایش است، اما ماندگاری آنها در عرصه مطبوعات چندان طولی نمی‌کشد. مطبوعات به نهادی مستقل و قدرتمند نیاز دارند تا بتوانند از حقوق روزنامه‌نگاران و مسوولان دفاع کنند. توجه به مطبوعات محلی می‌تواند رشد مطبوعات در سطح ملی را به همراه داشته باشد و بی‌توجهی به رکن چهارم دموکراسی می‌تواند پایه‌های دموکراسی در کشور را لرزان کند. امروز روزنامه‌نگاری نیازمند حمایتی همه‌جانبه است تا بتواند رسالت خود را آنچنان که شایسته است انجام دهد.

فشار در مطبوعات محلی

علی‌اکبر قاضی‌زاده روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه معتقد است مشکلات مطبوعات محلی بسیار عمیق‌تر از مطبوعات سراسری است: «همان حساسیت‌ها، همان شدت عمل‌ها که در برابر روزنامه‌نگاری سراسری است، به صورت چندین برابر شدیدتر برای مطبوعات محلی وجود دارد.» او علت مضاعف بودن فشار روی روزنامه‌نگاران محلی را محیط کوچک شهرستان‌ها، ارتباطات رو در رو و شناخته‌شده بودن خاندان‌ها می‌داند.علیرضا اسکندریون روزنامه‌نگار و سردبیر سابق روزنامه «مردمن» زنجان، فضای سیاسی برای مطبوعات محلی در شهرستان‌ها را بسته‌تر از مطبوعات سراسری می‌داند: «فضای سیاسی خاص در شهرستان‌ها، به واسطه ضعیف بودن نهادهای مدنی است. در شهرستان‌ها حمایت مدنی از مطبوعات کمتر است.»

محمد لطیف‌کار سردبیر نشریه استقامت کرمان بر این باور است که یکی از مشکلات اساسی اغلب مطبوعات محلی، خودسانسوری آنهاست. او علت این خودسانسوری را اقتصاد ضعیف نشریات محلی می‌داند و نتیجه این ضعف اقتصادی را مماشات با مدیران محلی عنوان می‌کند: «نشریات محلی در برخی موارد ناچارند مطالبی را که جنبه خبری ندارند به عنوان خبر چاپ کنند تا بتوانند آگهی جذب کنند. ضعیف بودن این نشریات از بعد اقتصادی جسارت نقد کردن را از آنها می‌گیرد.» لطیف‌کار تأکید می‌کند زمانی که نشریات به مامشات با مدیران تن می‌دهند رغبت مخاطب به این نشریات کم می‌شود: «مانی که مخاطبان یک نشریه کم شوند، ارزش نشریه نزد مدیران پایین می‌آید.»او این وابستگی را سبک‌میوبی می‌داند که برای هر دو طرف ضرر و زیان را در پی دارد. اسکندریون مشکلات اقتصادی نشریات محلی را ناشی از کم بودن مخاطب و نداشتن حمایت دولتی برای نشریات اصلاح‌طلب و حرفه‌ای می‌داند: «بیشتر آگهی‌ها به نشریات همسو دولت داده می‌شود. این نشریات دولتی نیستند، شخصی هستند اما نظرات دولت را منتقل می‌کنند. آگهی‌ها به این نشریات تعلق می‌گیرد.»

به گفته قاضی‌زاده، زمانی که نشریه محلی رقم اصلی هزینه‌اش را از دولت می‌خواهد، بخش دولتی هم انتظار دارد نشریه در اختیارش باشد: «این امر استقلال نشریات را خدشه‌دار می‌کند»

ضعف اقتصادی

گریبان روزنامه‌نگاران را می‌گیرد

علت اصلی ضعیف بودن نشریات محلی به لحاظ اقتصادی، نبود آگهی در این نشریات است. یونس فیضی‌زاده مدیرمسوول و سردبیر نشریه نسیم جنوب بوشهر از عدم اختصاص آگهی‌های دولتی به ۱۰ نشریه منتقد بوشهر می‌گوید: «تقریباً یک سال است به اغلب مطبوعات منتقد و مستقل در بوشهر آگهی داده نمی‌شود. مدیرکل ارشاد بوشهر اصرار دارد ادارات دولتی از طریق ارشاد آگهی‌هاشان را

منابع

توصیه‌های خبرنگارهای کهنه‌کار روتیرز

زلزله، خشکسالی، سیل، بیماری‌های واگیردار یا کشمکش و جنگ؛ در همه اینها باید اول از همه مواظب جان خود باشید. هیچ خبری ارزش آن را ندارد که جان خود را از دست بدهید و خبرنگارهای مرده و زخمی نمی‌توانند خبری به دست بیاورند. ذات خبرهای مربوط به بحران و کشمکش‌ها خطرناک است. برای همین باید بیشتر حواس‌تان جمع باشد. امنیت باید اولویت اول شما باشد. وقتی به یک محیط خطرناک سفر می‌کنید بیش از هر زمان دیگری به برنامه‌ریزی نیاز دارید. احتیاطات اولیه را در نظر داشته باشید. آب آلوده ننوشید. مایحتاج اصلی همراه‌تان باشد و حواس‌تان به خطراتی که از جانب آدم‌ها یا طبیعت تهدیدتان می‌کند باشد. اگر در جایی به سر می‌برید یک خطر آدم‌ربایی وجود دارد، از مسیرهای مختلف و در ساعت‌های مختلف سر کار بروید و هر روز سر ساعت معین از خانه خود خارج نشوید. در مناطق جنگی – در صورت امکان – کلاهخود و جلیقه ضدگلوله

مطبوعات محلی، تن‌پوشی نخ‌نما

توزیع کنند و این امر باعث شده آگهی‌ها بین یکسری نشریات خاص توزیع شود.» لطیف‌کار توزیع آگهی‌ها توسط یک نهاد دولتی را آسیبی برای نشریات منتقد و حرفه‌ای می‌داند.

جذب نکردن آگهی باعث ضعف اقتصادی در نشریات می‌شود و این ضعف اقتصادی در نهایت گریبان روزنامه‌نگاران را می‌گیرد. نتیجه آن می‌شود که نشریات نمی‌توانند حقوق پرسنل خود را تأمین کنند. لطیف‌کار معتقد است اغلب روزنامه‌نگاران محلی پاره‌وقت هستند یا در چند نشریه کار می‌کنند یا جذب آگهی می‌کنند تا ضعف حقوق‌شان را بپوشانند.

اسکندریون نداشتن نیروی حرفه‌ای تمام‌وقت در نشریات محلی را ناشی از ضعف اقتصادی این نشریات می‌داند: «روزنامه‌نگاری برای بیشتر پرسنل نشریات محلی شغل دوم است.»

قاضی‌زاده نداشتن حقوق کافی برای روزنامه‌نگاران را عامل سرخوردگی آنها معرفی می‌کند: «روزنامه‌نگارانی که در رسانه‌های خارجی کار می‌کنند، اغلب بالای ۴۰ سال سن دارند در حالی که ما در ایران به ندرت روزنامه‌نگار ۴۰ساله داریم زیرا همه از این شغل به علت مشکلات فراوانش فرار می‌کنند و در شهرستان‌ها این قضیه به مراتب شدیدتر و قابل مشاهده‌تر است.» او اغلب نشریات محلی را چهره‌های سیاسی معرفی می‌کند: «فرمانداران سابق، نمایندگان پیشین مجلس و… به همین دلیل بیشتر با دستگاه اجرایی همراه هستند و تمایل چندانی ندارند تا پای خبرنگار بایستند و از آن دفاع کنند.»

نداشتن نیروهای حرفه‌ای تحریریه

یکی از مشکلات نشریات محلی، نداشتن نیروهای حرفه‌ای تحریریه و فنی است. لطیف‌کار بر این باور است که در نشریات محلی مرتب نیروهایی فعال می‌شوند، مدت کوتاهی در نشریه هستند و پس از آن با روزنامه‌نگاری را کنار می‌گذارند یا تحریریه را ترک می‌کنند: «روزنامه‌نگاری شغل پردرآمدی نیست تا افراد را به ادامه دادن آن دلگرم کند. بیشتر افرادی که در نشریات محلی مشغول به کار هستند نیروی تحصیلکرده‌نیستند بلکه غالباً افرادی هستند که در مرکز مطالعات رسانه یا دوره‌های وزارت ارشاد آموزش دیده‌اند و به صورت تجربی کار را

نگاه

همه چیز از پایتخت

به طور کلی، الگوی مطبوعات در ایران سراسری است. تولید اطلاعات رسمی معمولاً از پایتخت است و منابع آگهی مطبوعات نیز عمدتاً از پایتخت هستند. تیراژ مطبوعات محلی و روزنامه‌ها کمتر از ۱۰۰ هزار نسخه است. البته تولید اطلاعات در مطبوعات محلی نسبت به گذشته بهتر شده است. آنها منابع خوبی دارند که اخبار و اطلاعات خوبی تولید می‌کنند. اما آن طور که در پایتخت اخبار تولید می‌شود، جامعیت ندارد و نوعی بازتولید اطلاعات تهران است. موانع رشد مطبوعات مختص مطبوعات محلی نیست، بلکه ضعیف مطبوعات برمی‌گردد و بخش دیگر آن ناشی از سطح سواد، دانش مردم و علاقه‌شان به مطبوعات است. سهم مطبوعات غیردولتی در نشریات محلی بیشتر از مطبوعات سراسری

یاد گرفته‌اند اما چون این شغل تکافوی زندگی‌شان را نمی‌دهد آن را ترک می‌کنند و این پروسه تکرار می‌شود و این ناپختگی در نشریه نمود پیدا می‌کند و کیفیت نشریات را پایین می‌آورد.» بی‌اطلاعی از اصول درست خبرنگویی، گزارش‌نویسی و… که در اثر نداشتن نیروی کار حرفه‌ای به وجود می‌آید، از نظر قاضی‌زاده عامل ایجاد حساسیت بیشتر درباره این نشریات است.اسکندریون معتقد است گاهی نشریات محلی خط‌شکنی‌هایی می‌کنند که در نشریات سراسری نیست: «نظیر زنجان که مطبوعات محلی بعد از جریان انتخابات بسیار بهتر از نشریات سراسری عمل کردند.»مساله دیگری که نشریات محلی با آن روبه‌رو هستند، مشکلاتی است که در زمینه تکنولوژی چاپ دارند. لطیف‌کار از نداشتن چاپ رول در کرمان می‌گوید: «اگر در آنجا نشریه‌ای بخواهد به صورت روزانه در آید، از نظر تکنولوژی چاپ چنین امکانی را نخواهد داشت.»مشکل نداشتن چاپخانه، معضل بسیاری

از نشریات محلی است. به عنوان مثال در اردکان، کردستان و بسیاری از شهرهای دیگر چاپخانه وجود ندارد یا چاپخانه‌ها قدیمی است و کیفیت چاپ آنها پایین است: «بیزیریم که از نظر تجهیزات و فناوری، خیلی پیشرفته نیستیم. اما در شهرستان‌ها این تجهیزات به مراتب عقب‌تر از پایتخت است.»

مسوولان نقدپذیر نیستند

آنچه بیش از همه مسوولان این نشریات را با مشکل روبه‌رو کرده، نقدپذیر نبودن اغلب مدیران کشور است. قاضی‌زاده بر این امر تأکید می‌کند که بین بیشتر مسوولان اجرایی این باور وجود ندارد که کار روزنامه‌نگاری انتقاد کردن است. به محض نقد کردن بنا بر دشمنی گذاشته می‌شود: «هنوز مدیریت اجرایی ما به مطبوعات اعتقاد ندارد و مطبوعات را ش لازم می‌داند، این باور وجود ندارد که روزنامه‌نگار نماینده مخاطبانش است. باید سوال پرسید و نقد کند و اگر انتقاد می‌کند جایی برای نقد کردن می‌بیند.» لطیف‌کار از مدیران می‌خواهد اجازه دهند



• حسین افخمی >•••••

نقد و خطاهایش علنی می‌شود. برای مثال، بیشتر شرکت‌های تولیدی در شهرستان‌ها هستند، اما آسیب‌ها و مضرات زیست‌محیطی آنها کمتر نقد می‌شود. این امر به صورت سیستماتیک و دائمی وجود ندارد و این را روزنامه‌نگار به تنهایی نمی‌تواند تولید کند. روزنامه‌نگار انتظار دارد اثر نقد کردنش را ببیند، نه اینکه منافع اقتصادی ایجاد کند که سبیل خبرنگار را چرب کنند تا دیگر به این مسائل نپردازد.

نبود نقد ادارات و سلسله‌مراتب انتصابی و کارنامه مدیران در نشریات بسیار ملموس است. هر کدام از این موارد اثر نقد بازتاب خبری خوبی داشته باشد. اما معارفه‌ها خشک است یعنی صرفاً به گفتن یکسری اسامی محدود می‌شود و عملکردها را به چالش نمی‌کشد. ما انتظار داریم اطلاعات خبری در شهرستان‌ها شفاف‌تر باشد و در استفاده از ژانر یا قالب محتوایی محدودیتی نباشد. در حال حاضر بیشتر از قالب خبر مستقیم استفاده می‌شود تا گزارش یا مقاله که فرصت به چالش کشیدن را دارند.

کیوسک ۱۵

سال پنجم ■ شماره ۱۰۴۰ ■ چهارشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۸۹

کیوسک ۱۵



از حوزه فعالیت آنها پرسیده شود: «سوال پرسیدن وظیفه خبرنگاران است.» او مشکل دستگاه‌های اجرایی در این زمینه را روابط عمومی‌های آنها می‌داند که برنامه نمی‌گذارند تا خبرنگار برای مصاحبه برود و به خبرنگار طفره می‌روند و خود را ملزم به پاسخگویی نمی‌دانند: «ارتباط با رسانه در قالب کنفرانس‌های خبری است که در آن مدیران گزارش عملکرد خودشان را می‌دهند و اجازه نمی‌دهند خبرنگار سواالتش را بپرسد. مسوولان باید پاسخگو باشند و اجازه دهند اخبارشان منتشر شود و یاد بگیرند با صدای بلند از طریق مطبوعات با جامعه ارتباط برقرار کنند.» مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی می‌تواند پاسخ بسیاری از سوالاتی که در زمینه مطبوعات محلی مطرح است بگوید. اما به‌رغم تماس‌های مکرر «شرق»، پاسخی ندادند. قاضی‌زاده معتقد است در شهرستان‌ها نشریات متعددی منتشر می‌شود اما کمتر نشریه‌ای است که عمری طولانی‌تر از دو سه سال داشته باشد.

پوشش اخبار محلی، یک اتفاق خوب

در سال‌های اخیر یک اتفاق خوب رخ داده است و آن هم پوشش نسبتاً خوب اخبار محلی با تمام مشکلاتی است که این نشریات پیش رو دارند. فیضی‌زاده بر این باور است که در حال حاضر نشریات محلی کمتر سمت اخبار ملی می‌روند و خود را ملزم می‌دانند که برای مخاطب محلی خبر تهیه کنند: «خبرهایی که از استان‌ها در نشریات سراسری منتشر می‌شوند بسیار ضعیف هستند. اما نشریات محلی مسیر درست را انتخاب کرده‌اند.» اسکندریون معتقد است وزارت ارشاد سعی دارد خانه مطبوعات را در مسیر مورد نظر خود قرار دهد: «خانه مطبوعات نهادهی است که اکنون در تمام شهرها وجود دارد. اما وزارت ارشاد سعی دارد آن را در مسیر خاصی هدایت کند.» اسکندریون مراسم روز خبرنگار را به عنوان مثالی برای تأیید حرفه‌ایش مطرح می‌کند: «مسال خانه مطبوعات زنجان، به مناسبت روز خبرنگار برنامه مستقلی را برگزار کرد. همزمان اداره کل ارشاد استان زنجان هم برنامه‌ای را به همین مناسبت برگزار کرد و در آن روزنامه‌نگاران حاضر در آنجا جایزه و سکه بهار آزادی داد.» لطیف‌کار وجود یک نهاد قدرتمند و مستقل را که پشتیبان حقوق روزنامه‌نگاران و مدیران باشد ضروری و لازم می‌داند: «خانه مطبوعات استان، یک نهاد نیمه‌مستقل است که قدرتمند نیست. اما بدونش بسیار بهتر از نبودنش است. ای کاش نهاد مستقلی ایجاد می‌شد تا روزنامه‌نگاری قدرتمند شود.» او توزیع نشریات محلی را دچار مشکل می‌داند و معتقد است‌اگر نهاد مستقلی باشد، در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کند.

•••••

را با آمارها و نظرسنجی‌ها یا نتایج انتخابات همراه کنید تا قوی بشوند. در ضمن حواس‌تان به نقل قول کردن از اقلیت‌ها باشد به خصوص وقتی قضیه سیاسی می‌شود. برای گزارش‌گرشگرهای تلویزیون و عکاس‌های خبری، یک گزارش خیابانی خوب تشکنه تصویر است، به خصوص وقتی به سراغ فرد فرد آدم‌ها می‌رود. در تلویزیون کم و بیش گزارش‌های خیابانی دیده می‌شود که هدف آن روایت خبر است. آدم‌هایی که با آنها صحبت می‌کنید همین مناسبت می‌توانند برای روزنامه‌ها و نشریات چاپی کلی رنگ و جزییات و نقل قول به همراه بیاورند. اگرچه این تکنیک که اول روی یک فرد خاص متمرکز بشوید و بعد دایره تمرکزتان را باز کنید و به سراغ نظرات دیگر بروید اغلب کار می‌کند، اما همین تکنیک اگر زیاد به کار گرفته شود کارکردش ضعیف می‌شود.آخرین نکته اینکه مواظب دوست‌داشتنی‌ها (favorites) باشید! برخی آدم‌ها درباره هر چیزی نظر می‌دهند و ممکن است سوسه بشوید و سر هر مساله‌ای به سراغ آنها بروید. یکی از مردم آمریکا به این خاطر مشهور است که بیشترین تعداد مراجعه از سوی خبرنگارها را دارد و گفته می‌شود یکی از خبرگزاری‌های امریکایی خبرنگارهایش را منع کرده که نقل قولی از آن شخص منتشر کنند. منبع: **www.superjournalist.com**

تاریخ شفاهی



وقتی وارد تحریریه برخی از روزنامه‌ها می‌شوم، با دیدن خبرنگاران جوانی که در سکوت و سکون سالن پای مانیتور کامپیوترها نشسته‌اند تا اخبار و گزارش‌هایی را از سایت‌ها و رسانه‌های ماهوار‌ای به روزنامه‌شان انتقال بدهند، دلم می‌گیرد؛ جوانانی که به جای رفتن به عمق جامعه برای تعقیب یک رویداد یا تحقیق و تحلیل و روشنگری درباره یک موضوع، ناگزیر می‌شوند فقط واسطه انتقال گزارش‌های تکراری رسانه‌ها باشند.

افسوس، با این شیوه جاری در مطبوعات، چه استعدادهای نابی در میان این جوانان پرازری هست که با این روال نادرست در عرصه روزنامه‌نگاری کشف و بارور نمی‌شود تا در آینده چهره‌هایی شاخص در خبرنگاری و نویسندگی ظهور کند. حاصل کار و تلاش این جوانان مشتاق کسب تجربه، تنها خبرهایی است که طی ۲۴ ساعت تا انتشار روزنامه بارها از رادیوها و تلویزیون‌ها پخش شده که تکرار آنها اشتیاقی در خوانندگان برنمی‌انگیزد.

در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که از اینترنت، سایت‌ها و ماهواره‌ها خبری نبود، وقتی وارد سالن تحریریه یک روزنامه می‌شدی از غلغله و جنب‌وجوش خبرنگاران و نویسندگان که برای کسب خبر یا نوشتن در آخرین لحظه‌ها برپا می‌کردند به شوق می‌آمدی. با انتشار روزنامه‌ها، خوانندگان می‌دانستند با اخبار و گزارش‌های تازه‌ای روبه‌رو خواهند بود که توسط خبرنگاران کسب و تولید شده است. همین شیوه تولید اخبار و گزارش‌ها بود که تیراژ نشریات را افزایش می‌داد. به یاد دارم در اوج مبارزات انقلابی مردم در اواخر اسفندماه سال ۵۷ تیراژ کیهان و اطلاعات، هر کدام از مرز یک میلیون نسخه گذشت به طوری که جمعیت کشور به ۳۰ میلیون نفر نمی‌رسید، در حالی که امروزه تیراژ برخی از روزنامه‌ها از پنج هزار نسخه فراتر نمی‌رود. آیا تیراژ همه روزنامه‌های امروزی با هم یا توجه به جمعیت ۷۰ میلیونی) به دو میلیون تیراژ کیهان و اطلاعات آن زمان می‌رسد؟

علت کم‌شمار بودن تیراژ روزنامه‌ها در چیست؟ برخی علت را کم‌تجربگی برخی از مدیران مطبوعات در امر روزنامه‌نگاری می‌انند. عده‌ای علت را نبود روزنامه‌نگاران با تجربه در عرصه مطبوعات و عدم انتقال تجربه به جوانان خبرنگار می‌دانند. می‌دانم خبرنگاری و روزنامه‌نگاری مثل هر حرفه دیگری نیاز به کسب مهارت و تجربه دارد) یا محدودیت‌های تحمیلی را علت کاهش تیراژ به حساب می‌آورند. گروه بسیاری از صاحب‌نظران نیز حضور سایت‌ها و رسانه‌های ماهوار‌های را سبب‌ساز مشکل می‌دانند، چراکه هنوز مطبوعات ما نتوانسته‌اند موفق به رقابت با این گونه رسانه‌ها شوند. سردبیرانی بوده‌اند که برای ایجاد تحرک در میان خبرنگاران و تولید اخبار و گزارش دستور داده‌اند کامپیوترها را از سالن تحریریه‌شان جمع‌آوری کنند. اما با عقب ماندن در کار خبررسانی، دوباره کامپیوترها را به کار انداخته‌اند.

اما روزنامه‌ها با این رقیب بزرگ در عصر اطلاعات چگونه باید کنار بیایند؟ به طوری که نه از اخبار و گزارش‌های مربوط به رویدادهای مهم جهان و ایران غافل ماند و نه مقهور و تسلیم رسانه‌های تصویری و شنیداری شد؟ به عقیده بعضی‌سای از صاحب‌نظران، خبرنگاری یک روزنامه باید با بررسی سایت‌ها و رسانه‌های خبری از آنها به عنوان منبع خبری استفاده کنند سپس خودشان به تحقیق و جست‌وجو درباره داده‌های خبری بپردازند و با دریافت ابعاد تازه و جزییات تازه‌ای درباره یک موضوع، گزارشی تولیدی تهیه کنند که حاوی اطلاعات تازه یا افشاگرانه‌ای از سوزه دریافتی باشد. در بخش دیگر کار ضروری است ضمن تحلیل رویداد مورد نظر و تأثیرات آن در جامعه در صورت لزوم به سوابق تاریخی و جنبه‌های مختلف یا تأثیرات رویداد پرداخت تا از هر نظر اطلاعات کاملی به خوانندگان داده شود. در این میان تولید مطلب و رقابت در کسب خبر نقش مهمی در موفقیت یک روزنامه خواهد داشت. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که از اینترنت و سایت‌ها و شبکه‌های ماهوار‌های خبری نبود، رقابت نتگانشی در میان خبرنگاران روزنامه‌های کیهان و اطلاعات جریان داشت که گاه اتفاقات جالبی پیش می‌آورد. روزی برای شرح تجارب روزنامه‌نگاری به کلاس درس جمعی از دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری دعوت شده بودم که شرح نمونه‌ای از رقابت میان خبرنگاران آن دوران، همه دانشجویان را به تعجب واداشت.

یک روز خبرنگار کیهان در خرمشهر با ارسال خبر کوتاهی اطلاع داد مردی در این شهر بر اثر جون سوزن به همرس جوان و زیبایش، چشم‌های او را نابینا کرده تا به مردان دیگر نگاه نکند. این واقعه دلخراش سبب شد که از خبرنگاران (مشتاق) بخواهیم اطلاعات بیشتری در این باره بدهند تا طی گزارش‌هایی در صفحه حوادث منعکس کنیم. انتشار سلسله‌گزارش‌های درباره این زوج جوان چنان احساسات و عواطف خانواده‌ها را برانگیخت که بسیاری از نهادهای اجتماعی حمایت خود را از زن نابینا اعلام کردند و اشتیاق خوانندگان به خواندن گزارش‌های مربوط به این واقعه چنان بود که اقدام به افزایش تیراژ روزنامه کردیم.

خبرنگار ما در خرمشهر هر روز در تماس با زن و شوهر ساکن خرمشهر مطالبی به روزنامه می‌فرستاد و گروه حوادث طی گزارش‌هایی به شرح ماجرای تکان‌دهنده زوج جوان می‌پرداخت. سردبیر روزنامه اطلاعات (شادروان غلامحسین صالحیار) که خبرنگارش از پرداختن به این مطلب غافل مانده بودند به فکر جبران این عقب‌ماندگی افتاد. چون شنیده می‌شد برخی از خوانندگان اطلاعات به خاطر خواندن گزارش‌های مربوط به زوج خرمشهری به خرید روزنامه کیهان پرداخته‌اند. در آن دوران معمولاً پسرپرچه‌های روزنامه‌فروش از همکاران قدیمی‌شان آموخته بودند که با در دست داشتن روزنامه‌های کیهان و اطلاعات طبق عادت دیرینه (به خاطر سابقه طولانی‌تر اطلاعات)، برای فروش روزنامه فراد می‌زدند اطلاعات… اطلاعات… شوخ‌طبعانی که علاقه‌مند به خواندن کیهان بودند با مراجعه به پسرک‌های روزنامه‌فروش به آنها می‌گفتند: «اطلاعاتی، یک کیهان بده!»

هنگامی هم که کیهان گزارش‌های مربوط به زن و شوهر خرمشهری را چاپ می‌کرد این گفته مطایبه‌آمیز بین خوانندگان و روزنامه‌فروش‌ها مطرح می‌شد که برخی به روزنامه‌فروش‌ها می‌گفتند: «اطلاعاتی، یک کیهان بده!» سردبیر اطلاعات (شادروان صالحیار) یک شب، دبیران تحریریه را در اتاقش جمع کرد و ضمن طرح ماجرای زوج خرمشهری به آنان گفت: روزنامه کیهان با چاپ سلسله‌گزارش‌هایی درباره این ماجرا با افزایش تیراژ روبه‌رو شده در حالی که ما غافل بوده‌ایم و برای جبران این غفلت باید چاره‌اندیشی کنیم. صالحیار در پایان این جلسه به یکی از خبرنگاران ماموریت داد شبانه با خودرو جیب روزنامه روانه خرمشهر شود و زن و شوهر خرمشهری را به روزنامه بیاورد. خبرنگار در خرمشهر موفق به یافتن زن نابینا که به شهر دیگری رفته بود، نشد و شوهرش را سوار جیب کرد و به تهران آورد. با رسیدن مرد خرمشهری به روزنامه اطلاعات صالحیار دستور داد او را در یکی از اتاق‌ها مخفی کنند و در را به رویش ببندند تا هیچ کس از وجود او در روزنامه آگاه نشود. به دستور سردبیر قرار شد شام و ناهار و صبحانه برای این مرد بیاورند و یک خبرنگار هم مامور شد به بار او درباره تجربیات زندگی‌اش گفت‌وگو کند تا طی سلسله‌سابقه طوالتی‌تر (اطلاعات)، در صفحه اطلاعات چاپ شود. روز بعد خبرنگار کیهان از خرمشهر اطلاع داد زن و شوهر خرمشهری به طور اسرارآمیزی ناپدید شده‌اند و تهیه گزارش‌های خبری درباره آنها ممکن نیست. به این ترتیب چاپ گزارش از ماجرای زندگی زن و شوهر جوان قطع شد و عصر همان روز با تعجب دیدیم روزنامه اطلاعات با یک تیتیر درشت چاپ گزارش‌های اختصاصی مفصلی را (در گفت‌وگو با مرد خرمشهری) آغاز کرده است. ضمن تحقیق پیی به ماجرا بردیم و فهمیدیم روزنامه اطلاعات این مرد را روزنامه ربوده و در یکی از اتاق‌های روزنامه زندانی کرده تا سلسله‌گزارش‌های اختصاصی از او منتشر کند.خبر این ماجرای جنجالی به دادسرای تهران رسید و دادستان تهران با احضار‌ب‌های رسمی به روزنامه اطلاعات از مسوولان این روزنامه خواست هرچه زودتر مرد خرمشهری را که به اتهام نابینا کردن همسرش تحت تعقیب قرار دارد، در اختیار دادسرای تهران قرار دهند. اما روزنامه اطلاعات با گذشت یک هفته متهم را تحویل مأموران دادسرای تهران داد و در این مدت توانست گزارش‌های اختصاصی جالبی درباره او و همسرش تهیه و منتشر کند.